



خیلواکی

استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

جمعه ۲۳ اکتوبر ۲۰۲۰

حمید انوری

"ای نویسنده از برای خدا- خط نویسی به دیگری فرما"

ای نویسنده از برای خدا  
خط نویسی به دیگری فرما  
یا خط خوش نویس که خوانده شود  
یا خودت همراهی نوشته بیا

## قسمت دوم

برمیگردیم به جفنگیات دیگر آن جناب مستطاب:

" با انفجار فرصت توبهء مسلمان گنهکار را گرفته و به صورت عمد به قتل و کشتار مردم بی گناه هیچ مبرر سرعی وجود ندارد."

این بدان معنی تواند بود که گناه عمل انتحاری و انفجاری طالب، فقط و فقط این است که از یک مسلمان، فرصت توبه گرفته می شود؛ ورنه از نگاه اسلامی و انسانی و افغانی، هیچ مشکل دیگر ندارد. و اما باز هم من کم سواد از این جمله تکمیلی آقای "سعیدی"، هیچ دانسته نشدم که می فرمایند، " هیچ مبرر سرعی وجود ندارد"، شاید مقصد شان "سرعی" بوده باشد و یک اشتباه تایپی است که اکثراً اتفاق می افتد، چون حروف "س" و "ش" پهلوی هم قرار دارند، مگر جهت دریافت معنی "مبرر"، این کم سواد مجبورم به لغت نامه های متعدد در اینترنت مراجعه کنم تا بهتر دانسته شوم.

آنچه در لغت نامه های متعدد در اینترنت در مورد معنی "مبرر" آمده است، این است: (حق داده

شده، حق دهنده، حق داده.)

اکنون که معنی "مبرر" دانسته شد، بر میگردیم به جمله تکمیلی آقای "سعیدی":  
" ... به صورت عمد به قتل و کشتار مردم بی گناه هیچ مبرر سرعی وجود ندارد."، معنی ساده ای این جمله، که البته حرف ربط "به" در آن اضافی است، می شود اینکه قتل عمد و کشتار مردم بی گناه هیچ حق شرعی ندارد، منظور آن جناب این بوده است که قتل عمد و کشتار مردم بی گناه، هیچ جواز شرعی ندارد، اما طالبان می توانند مردم گنهکار را آماج حملات انتحاری و انفجاری خود قرار دهند، فقط گناه چنان عمل وحشیانه این تواند بود که "فرصت توبهء مسلمان گنهکار" گرفته می شود.

برمیگردیم به بقیه ارشادات گهربار جناب "سعیدی":

"... فتاوی مسلمان استاد شده در صف مخالف با اسان سازی جواز قتلش را برداست ....  
استابلیشمنت پاکستان. ایشان را به نهاد براندازی و نظام براندازی در افغانستان به کار میبرد..."  
این کم سواد، از شش سطر فوق که یک حصه آنرا اینجا آوردم ( آنکه خواسته باشد همه را مطالعه کند تا مگر به نتیجه ای برسد، به نقل قول مکمل در صفحه نخست- قسمت اول مراجعه کند)، هیچ چیزی ندانستم. جمله بندی غلط، املا و انشأ غلط، مطلب غیر مفهوم و بگفته شاعری:

نامه های یار من از یک سر غط

خط غلط، املا غلط، انشأ غلط

و اما خدمت جناب "سعیدی" عرض شود اینکه "استابلیشمنت" یک لغت دری نیست، پشتو نیست، فارسی نیست و عربی مورد علاقه تان هم نیست، پس چرا تلاش نمی کنید دری آنرا بنویسید. جناب شما در اکثر نوشته های تان از این لغت استفاده می کنید و سخت مورد علاقه تان است. بعد از این اگر خواستید از لغت پرانی های بی مورد بگذرید، معنی "استابلیشمنت" چنین آمده است:

(the establishment

1- هیات حاکمه، دستگاه دولت و رهبران سیاسی و اقتصادی 2- (در هر سازمان یا گروه) گروه کلیدی، سردمداران، صدرنشینان، نخبگان )

آنچه جناب "سعیدی" فکر میکند که تنها خودشان میدانند و دیگران از آن مسائل بی خبر اند، به گمانم به خطا رفته اند، امروز دیگر حتی یک شاگرد صنف ششم ابتدائی نیز آن مطالب را در مورد پاکستان و ایران و طالب و ... میدانند و همه و همه تکراری و کهنه اند و ...

اما چند سطر بعدتر ایشان می نویسند:

"... در مذاکرات موجود طالب کل قدرت را از امریکا میخواد و پاکستان و ایران و امریکا با طالب صادق نیست ... طالب نباید سلاح خود را تسلیم و به ترحم حاکمیت افغانی بنشیند اما زمینه ساز تصمیم ملت بر ارزشها باید شود".

در این داد و معامله ها هیچ کس با هیچ کس و هیچ جناح با هیچ جناح دیگر صادق نیست و هر کس پی منفعت خویش است و این هم به همگان چون روز روشن است و کدام معادله چهار مجهوله نیست که جناب سعیدی به حل آن موفق شده باشد.

و اما و مگر می بینیم که او به طالبان توصیه میکند که سلاح خود را تسلیم نکند. یعنی اینکه او غیر مستقیم طالب را به خشونت و جنگ و انفجار و انتحار تشویق می کند.

اینکه معنی و مفهوم تصمیم ملت بر ارزشها، نزد جناب "سعیدی"، چه و یا چها است، در پرده ابهام مانده است، ولی و مگر و اما، اینکه چگونه می شود با سلاح و با کشتار و با انتحار و انفجار و...، "زمینه ساز تصمیم ملت بر ارزشها"، گردید، به خدای حق و "نماینده" ای او در روی زمین، یعنی جناب "سعیدی" معلوم است و بر ما بندگان عاجز خدا، نامعلوم و مورد سوال.

و در اخیر هم یک نگاهی می اندازیم بر جمله آخر نوشته یا نظر متذکره فوق ایشان:

"... در عفو و گذشت در مواردی زمان گیر و یا عدم پیگیر هم راه حل است."

از جمله بالا باز هم این کم سواد، هیچ دانسته نشدم که مقصد و هدف آن جناب در نوشتن این جمله چه بوده است و کدام مطلب را می خواسته اند افاده کنند. شاید عفو و گذشت زمان گیر باشد، اما "عدم پیگیر هم راه حل است"، یعنی چه؟!

اگر عدم پیگیری جنایات خلق و پرچم، در عدم پیگیری آن جنایات عظیم، راه حل بود، پس چرا هنوز هم جنگ و تفتین و توطئه و ایجاد نفاق و تفرقه های قومی، زبانی، منطقوی و مذهبی، همچنان ادامه دارد و هنوز هم دستان ناپاک خلقی ها و پرچمی های جنایت گستر، در اکثر قتل ها، کشتار ها و جنگ ها، دخیل است؟!

اگر عدم پیگیری جنایات تنظیم های جهادی، یا همان سوداگران جهاد، باعث ایجاد آرامش می گردید و لا و لشکر ایله جار تنظیم های ساخته و پرداخته ایران و پاکستان و عربستان و...، سبب فروکش کردن جنگ و چور و چپاول می شد، چرا هنوز هم این لشکر ایله جار و چکه چور، دعوای میراث پدري دارند و چرا در لااقل بیست سال پسین، هنوز هم به چور و غارت مشغول اند

و هنوز هم ریاست جمهوری و صدارت و وزارت و سفارت و...، طلب میکنند و گلبدین به سر قطب الدین می کوبد و شورای نظار بر سر شورای نسوار؟! اگر عدم پیگیری جنایات، باعث صلح نسبی هم می گردید، چرا پنج هزار جنایتکار جنگی طالب که از زندانها آزاد شدند، به میدانهای جنگ در میدان- وردک و هلمند و تخار و... برگشتند و مشغول کشتار هموطنان ما هستند؟!

همان طالبان که از نگاه جناب "سعیدی"، " طالب و اعتقاد طالب خدمت به اسلام و افغانستان است"، چنان مشغول کشتار هموطنان شریف و بی گناه و بی پناه ما هستند که حتی شمر و یزید در حق مسلمانان روا نداشتند و چنان روزگاری را در این آغاز زمستان سرد و سخت به حال هموطنان مظلوم و بی دفاع و دربدر ما آورده اند که چنگیز و هلاکو و هتلر و پلپوت و استالین را روسفید کرده اند.

این هموطن ما در غندی خیر در لندن نشسته است و نسخهٔ علاج این همه نا به سامانی ها را از زیر لحاف نرم و گرم خود، برای مردم افغانستان تجویز می کند و مدعی است که اعتقاد طالب و خود طالب و عمل طالب، " خدمت به اسلام و افغانستان " است!!!

ایکاش جناب "داکتر" صاحب از این نسخه ها برای ملت دردمند افغانستان دیگر نه نویسند و اگر دعوی خدمت دارند، به خود خدمت کنند و در طرز نوشتن و جمله بندی و املا و انشأ خود تجدید نظر کنند و لااقل کوشش کنند ارتباط دو جمله و دو پاراگراف را حفظ کنند و یخن این و آن را نگیرند که چرا مقصد او را نمی دانند و یا به مقصد نمی رسند.

این نسخه نویسی شما که با اینهمه جرم و جنایت و کشتار و انتحار و انفجار و خونریزی و بربادی و افغانستان را به پرتگاه نابودی کشاندن و دست نگری افغانستان به پاکستان و ایران و عرب و عجم طالب، از نظر شما " خدمت به اسلام و افغانستان " است و دگر هیچ.

در اکثر نوشته ها و نظرات جناب "داکتر" سعیدی، یک معنی به ذره بین هم یافت نمی شود. نورالدین عبدالرحمن جامی خطاب به "ساغری" چه خوش گفته بود:

ساغری می گفت دزدان معانی برده اند  
هر کجا در شعر من یک معنی خوش دیده اند  
دیدم اکثر شعرهای او، یکی معنی نداشت  
راست می گفت آنکه معنی هاش را دزدیده اند

پس اگر از این زاویه به نوشته های جناب "سعیدی" دیده شود، امکان آن موجود است که معانی نوشته های پربار! جناب سعیدی را دیگران دزدیده باشند و تا آنکه آن نوشته ها قدم به قدم به ما میرسند، از معانی خالی شده باشند.

آورده اند که «شاعری مهمل گوی پیش (جامی) می گفت: چون به خانه کعبه رسیدم، دیوان شعر خود را از برای تیمن و تبرک به حجر الاسود مالیدم، ایشان فرمودند اگر در آب زمزم می مالیدی بهتر بودی».

کاش جناب "سعیدی" هم نوشته ها، مضامین، مقالات، تحلیلات و نظرات و کتاب های خود را به آب زمزم می مالیدند و یا بهتر که می شستند، تا هم خدا راضی می شد و هم بندگان خدا!!!!